



ketabTala

---

خاطراتی از موسیقی دانان

---

گردآورنده: مهدی نورمحمدی

---



---

مرشدانه : تور محمدی، مهدی، ۱۳۵۱ -  
 عنوان و نام پدیدآور : خاطراتی از موسیقی دانان  
 مشخصات نشر : تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.  
 مشخصات ظاهری : ۳۰۲ ص.  
 شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۰۴ - ۲۹۶ - ۶  
 وضعیت فهرست نویسی : فنیای مناسبر  
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:  
<http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است.  
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۰۶۶۷۰

---



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره: ۱۳۲۴  
 تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

**خاطراتی از موسیقی دانان**  
**گردآورنده: مهدی تورمحمدی**

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کولر

چاپ: مهارت

محلانی: حقیقت

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۰۴ - ۲۹۶ - ۶

مرکز بخش: انقلاب - خ ۱۲ فروردین - خ شهدای زاندارمیری پلاک ۱۰۳

۱۲ و ۶۶۴۶۰۵۱۱ - ۷۲ - ۶۶۴۴۳

«ستایش بر پروردگار یکتا و بی‌همتا و سلام و درود بر پیامبر مهر و رحمت و جانشینان بر حق آن حضرت باد»

مطالعه خاطرات ادبا، شعرا و رجال سیاسی همواره طرفداران خاص خود را داشته و رشد شتابان چاپ و انتشار خاطرات چهره‌های ادبی، سیاسی و هنری - به خصوص بعد از پیروزی انقلاب - گویای علاقه مفرط طبقه کتابخوان کشور به این گونه کتاب‌هاست. کتاب حاضر، مجموعه خاطرات و داستان‌های اهل موسیقی است که در هنگام مطالعه کتب و مجلات گوناگون جمع‌آوری شده است.

برخی از موسیقی‌دانانی که خاطرات آن‌ها در این کتاب آمده، عبارتند از: میرزا عبدالله، آقا حسینقلی، درویش خان، عارف، طاهرزاده، اقبال آذر، عبدالله دوامی، علی‌اکبر شهنازی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، غلامحسین بنان، روح‌الله خالقی، علی‌نقی وزیر، نورعلی برومند، احمد عبادی، رضا محجوبی، مرتضی محجوبی، ابوالحسن صبا، علی‌اصغر بهاری، حسن کسایی، جلیل شهناز، محمدرضا شجریان، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، شهرام ناظری، محمد موسوی و ده‌ها هنرمند دیگر. نگارنده در گردآوری این خاطرات و داستان‌ها، کاملاً متمهد به رعایت اصل امانتداری بوده و تنها برای انتقال بار عاطفی و پیام خاطرات به مخاطب، برای هر داستان یا خاطره، عنوانی را انتخاب نموده است. این مجموعه خواندنی، خوانندگان گرامی را با بخشی از تاریخ موسیقی ایران و روحیات، خصوصیات اخلاقی و عقاید موسیقی‌دانان مشهور کشور، از دوره قاجار تا عصر حاضر، آشنا می‌سازد.

سعی نگارنده بر این بوده است تا حد امکان خاطرات و داستان‌ها را هدفمند و سودمند انتخاب کند و از آوردن داستان‌هایی که ذکر آن‌ها، مناسب شأن موسیقی‌دانان و این کتاب نبوده، خودداری نموده است.

در خاتمه، ذکر این نکته ضروری است که درستی مطالب عنوان شده در این خاطرات، بر عهده منبع مورد رجوع و یا راوی آن می‌باشد و مسئولیتی در این خصوص متوجه گردآورنده نیست.

### تأثیر موسیقی ایرانی

کنت دوگوبینو<sup>۱</sup> در کتاب خود می‌نویسد: «در ضیافت شامی که در اقامتگاهم دادم، با رضاقلی خان لُله سابقِ برادرِ شاه، سفیر سابق در بخارا، مورخ، عالمِ صرف و نحو، شاعر و ادیبِ مشهور زبان فارسی و لهجه‌های محلی آشنا شدم. این شخص، یکی از نکته‌سنج‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین افرادی است که در عموم در سراسر جهان دیده‌ام. در همان مجلس، میرزا تقی که در اشعارش سپهر تخلص می‌کند و اخیراً به فرمان شاه لقب لسان‌الملک گرفته است نیز حضور داشت که شخصی است بسیار دانشمند و دوست‌داشتنی ولی کمتر از رضاقلی دریاری. او مستوفی و نیز مورخ رسمی کشور ایران است...<sup>۲</sup> لسان‌الملک پرسید: آیا موسیقی اروپایی در شنوندگان تأثیر قوی و نیرومندی باقی می‌گذارد؟ چون دربارهٔ نفوذ یک هنر، به جز با تأثیری که بر اشخاص می‌گذارد نمی‌توان قضاوت کرد.

پاسخ دادم: بدیهی است.

لسان‌الملک اظهار داشت: منظورتان چیست؟

گفتم منظوم این است که موسیقی اروپایی، گاهی چنان انسان را متأثر می‌کند که اشک از دیدگان سرازیر می‌شود و زمانی انسان را چنان دچار هیجان و اضطراب و وحشت می‌سازد که حتی وقایع حقیقی زندگی نمی‌توانند بیش از آن اثر ببخشد.

میرزا تقی خان جواب داد: با این وصف، تأثیر موسیقی ایرانی خیلی بیشتر از موسیقی اروپایی است. چون نه فقط در انسان‌ها که موجودات باهوشی هستند و همین که قوهٔ تخیلشان تحریک شد می‌توانند تحت تأثیر قرار بگیرند اثر می‌گذارد بلکه در حیوانات نیز تأثیر می‌بخشد. به عنوان مثال، برایتان می‌گویم که موسیقی ایرانی چه کارهایی می‌تواند بکند.

دوستی داشتم که گله‌ای شتر داشت که همه قوی و زیبا بودند و شتران خود را برای بارکشی و سفر تا یزد به بازرگانان کرایه می‌داد.

دوست من در نواختن نی، بد طولایی داشت و وقتی می‌خواست هنرش را نشان

۱. وزیر مختار فرانسه در ایران در سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۲ قمری.

۲. ناسخ‌التولیع از تألیفات اوست.

بدهد، سه روز شتران خود را در اصطبل بدون غذا و آب نگاه می‌داشت و صبح روز چهارم، در اصطبل را می‌گشود. بلافاصله حیوانات تشنه خارج می‌شدند و با شتاب زیاد خود را به جلوی آبی که در فاصله کمی قرار داشت می‌رساندند. در این هنگام، دوست من شروع به نواختن نی می‌کرد. شتران از آب خوردن باز می‌ایستادند، سرشان را به سوی او برمی‌گرداندند و به آهستگی به او نزدیک می‌شدند، گردن‌هایشان را خم می‌کردند و به نظر می‌رسید لذت زیادی از شنیدن نوای نی می‌برند. همین که دوست من از نی زدن باز می‌ایستاد، شتران مجدداً به سوی جوی آب می‌دویدند. باز دوست من به نواختن نی می‌پرداخت و باز شتران، آب خوردن را فراموش می‌کردند و به سوی او می‌آمدند و این کار، چندین بار تکرار می‌شد تا این که دل دوست من به رحم می‌آمد و می‌گذاشت رفع عطش بکنند.

سه سال در آسیا، محص ۳۱۸ تا ۳۲۰.

### آموختن در خواب

آقا علی اکبر [فراهانی] شب‌ها نار خود را کنار بستر می‌نهاد و می‌خوابید و گاه در نیمه شب بیدار می‌شد و گوشت تازه‌ای می‌نواخت. یک شب کسی در خواب به او می‌گوید من رنگ اصول را که از قطعه‌های قدیم است و به کلی فراموش شده است به تو می‌آموزم و چنان می‌کند.

آقا علی اکبر در دل شب از خواب بیدار می‌شود و در میان بستر، نار را برمی‌دارد و آن را می‌نوازد. روز بعد، رنگ را به برادرزاده‌اش آقا غلامحسین می‌آموزد و او نیز به سرعموهایش آقا حسینقلی و میرزا عبدالله تعلیم می‌دهد. معیرالممالک این داستان را از آقا حسینقلی به یاد داشت و رنگ مذکور را شنیده بود.

مهدی قلی هدایت همین داستان را به گونه‌ای دیگر روایت کرده و می‌نویسد که بنا به گفته میرزا عبدالله، رنگی که آقا علی اکبر در خواب فرا گرفت، قسمت مقلوب از شهر آشوب چهارگاه است که بدون مضراب با حرکات انگشت (انگشت گذاری) حاصل آید. آقا علی اکبر که مردی درویش سبرت بود، عمری طولانی نداشت و گفته‌اند که قبل از فوتش با یکی از همسایگانش درباره صدای ساز مشاجره داشته است. او شبی با نار



خود به نام قلندر به بام خانه می‌رود و با ساز به مناجات و راز و نیاز مشغول می‌شود و همان جا به خواب می‌رود و صبح او را مرده می‌یابند.»  
چشم‌انداز موسیقی ایران، ص ۷۱.

### هر چه داری از پدر این‌ها داری

«میرزا» عبدالله و «آقا» حسینقلی، زمانی که پدرشان درگذشت طفل بودند و چون مادرشان به همسری آقا غلامحسین پسر عموی آنان درآمد، سرپرستی آن‌ها به عهده آقا غلامحسین گذاشته شد و او به تربیت هنری عموزاده‌های خود توجهی نداشت و از آموختن هنر خود به آن‌ها خودداری می‌کرد و با این که فرزندان آقا علی‌اکبر، عشق و علاقه فراوانی به آموختن نوازندگی تار داشتند، آقا غلامحسین در یاد دادن به آن‌ها رفع تکلیف می‌کرد و مایل نبود آنچه خود می‌داند به عموزاده‌های خود بیاموزد.

حاجی آقا محمد [ایرانی مجرد] شاگرد میرزا عبدالله، از استاد خود نقل می‌کند که میرزا عبدالله از بچل پسر عموی خود حکایت‌ها داشت، از جمله می‌گفت وقتی یکی از دوستان آقا غلامحسین به دیدنش آمده بود، همین که قرار شد پسر عمو ساز بزند، به من فرمان داد که از اتاق خارج شوم می‌آدا از آنچه او می‌نوازد استفاده کنم و نیز می‌گفت وقتی او در اتاق خویش ساز می‌زد، من و برادرم حسینقلی می‌رفتیم به بام خانه و گوشمان را به سوراخ بخاری اتاق او می‌گذاشتیم و الحانی که او می‌نواخت گوش کرده به حافظه می‌سپردیم و بعد، آن‌ها را تکرار و تمرین می‌کردیم. یا به طوری که متوجه نشود پشت در اتاق او می‌ایستادیم و از نوازندگی او استفاده می‌کردیم. مادرم که ما را عاشق و فریفته موسیقی می‌دید، سرانجام از شوهرش خواست که از این بی‌اعتنایی به تعلّم و آموختن به ما دست بردارد و صمیمانه آنچه می‌داند به ما تعلیم دهد و به آقا غلامحسین گفت: تو هر چه داری از پدر این‌ها داری، چرا به این بچه‌ها یاد نمی‌دهی؟

آقا غلامحسین از این پس به تعلیم پسر عموها همت گماشت و آن‌ها هم که استعداد این هنر را از پدر به ارث برده و خود دل‌باخته موسیقی بودند، با دل و جان به کسب این هنر کوشیدند و به زودی در نوازندگی و اطلاعات موسیقی، از مغاخر زمان خود شدند.»

## خفه‌ام کردی!

«میرزا عبدالله علم و اطلاع فنی موسیقی را که پیوسته در انحصار افرادی معدود بود از انحصار خارج کرد و عمومیت داد. هر که را مستمع و طالب این هنر می‌دید، بدون مضایقه، اطلاعات فنی خود را که با رنج فراوان به دست آورده بود، در اختیار او می‌گذاشت و با صبر و حوصله تمام به پرورش او همت می‌گماشت و نا اطمینان حاصل نمی‌کرد که شاگرد مطلب مورد علم را دریافت کرده است، دست پرتمی داشت و در آموختن به شاگردان علاقه‌مندی که در فراگرفتن کُنند بودند حوصله به خرج می‌داد. حاجی آقا محمد - از شاگردان او - حکایت می‌کرد: میرزا شاگردی داشت بسیار بی‌استعداد و کُنند ذهن و با صبر و حوصله با او کار می‌کرد. روزی مطلب مورد تعلیم را هر چه تکرار کرد شاگرد نتوانست بیاموزد و چیز دیگر غیر از آنچه میرزا می‌نواخت می‌زد. سرانجام میرزا خسته و درمانده شد، ساز را جلو [ی] خود به زمین گذاشت و با دست به ساز خویش اشاره و خطاب کرد که خفه‌ام کردی!»

تاریخ موسیقی ایران، ج ۲، ص ۵۷۰

## دوست دارم همه به نوازندگی آشنا باشند

«حسین هنگ‌آفرین که از شاگردان میرزا [عبدالله] در سه نار بود، مکرر از سنجابای اخلاقی و علاقه او به پشتکار و درست آموختن و اشاعه فن موسیقی سخن می‌گفت. از جمله نقل می‌کرد که میرزا همیشه می‌گفت دلم می‌خواهد که در هر مجلسی که ساز می‌زنم، همه حاضرین در آن مجلس به نوازندگی ساز آشنا باشند و ساز دست به دست بگردد.»

تاریخ موسیقی ایران، ج ۲، ص ۵۷۰

## دلسوزی در تعلیم

«حاجی آقا محمد ایرانی که از شاگردان مورد عنایت [میرزا عبدالله] بوده، نقل می‌کند: «روزی از خیابان ایران (عین‌الدوله سابق) که منزل میرزا در آن خیابان بود می‌گذشتم و سه ناری نیز همراه داشتم، به استاد برخوردم و از او درباره یکی از



گوشه‌های موسیقی که فراموشم شده بود پرسش کردم. او مرا به کوچه‌ای هدایت کرد که یک طرف آن، دیوارِ بخیال بود. کنارِ دیوارِ بخیال ایستاد و سه نار را از من گرفت و گوشه مورد سؤال مرا نواخت و به من داد و پس از آن که مطمئن شد که آن را فرا گرفته‌ام خداحافظی کرد و رفت.<sup>۱</sup>

تاریخ موسیقی ایران، ج ۲، صص ۵۷۰ و ۵۷۱.

### تعلیم رایگان به شاگردان بی‌بضاعت

«میرزا عبدالله به [همراهی] برادرش آقا حسینقلی در محله امامزاده یحیی کلاس درسی ترتیب داد که جوانان و متجددین به دورش جمع شدند. دیری نگذشت که بر اثر تحریکاتی، مخالفانِ دایر شدنِ کلاسِ موسیقی به خانه‌اش ریختند و با شکستن وسایل تعلیم، بساطِ درسش را تعطیل کردند. چندی بعد، کلاس خود را به خیابان عین‌الدوله (ایران) منتقل کرد و تصمیم گرفت [با وجود] مخالفین، به تعلیم بیشتری همت گمازد. با این که مکرر در کوچه و بازار مورد استهزا و حمله اراذل قرار می‌گرفت، تا دمِ مرگ دست از تعلیم نکشید و در بستر بیماری، با سه تارِ قطعانی به عنوان یادگار به شاگردان برجسته خود تعلیم می‌داد. به شاگردان تهی دست علاوه بر تعلیم مجانی، کمک‌های مالی می‌کرد. در آن زمان، رسم چنین بود که متعلمین در پایان هر درس، یک سکه دو ریالی زیر فرش استاد می‌گذاشتند. شنیده شد که گاه در خانمه‌جلسات درس، این وجوه را بین شاگردان بی‌بضاعت، تحت نام قرض تقسیم می‌فرمود و می‌گفت آنچه باید برای من برسد، دیروز رسیده است و اکنون نیازی به این وجوه ندارم.»<sup>۱</sup>

چشم‌انداز موسیقی ایران، ص ۷۶.

### برای خودشان ساز می‌زدند، نه برای خودنمایی

«[میرزا عبدالله] مردی درویش بود و کُنج فراغت و مصاحبت یاران صمیمی را به مجالس مهمانی ترجیح می‌داد. یکی از دوستان می‌گفت: طفل بودم و با یکی از هم‌پازی‌های خود، گاهی عصر به کنارِ خندقیِ دولاب می‌رفتیم. میرزا عبدالله و عیسی آقاباشی که در آواز و ضرب دست داشت، روی خندقی دور از جماعت می‌نشستند. میرزا

عبدالله ساعت‌ها سه تار می‌زد و آقاباشی که پیر شده بود و دیگر نمی‌توانست بخواند زمزمه می‌کرد. ما هم پهلوی آن‌ها می‌نشستیم و گوش می‌دادیم. بعد آقاباشی ما را به دوش می‌گرفت و به منزل می‌آورد و به پدرمان که با او آشنا بود می‌سپرد. مقصود این است که آن‌ها دور از اغیار، برای خودشان ساز می‌زدند و کیف می‌بردند، نه برای خودنمایی و جلب منفعت مادی.»

مرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، صص ۱۱۸ تا ۱۲۰.

### بدون تکرار، یک ربع چهارگاه بزنید!

دکتر داریوش صفوت می‌گوید: «یکی از موسیقی‌شناسان تعریف می‌کرد، در یکی از مجامع که سر شب به پا می‌شد، شبی میرزا عبدالله وارد می‌شود. به محض ورود، یکی از او خواهش می‌کند بنوازد و دیگری می‌گوید: استاد، قبل از ورود شما بحث‌هایی داشتیم و اختلاف نظرها بود. شما یک ردیف کامل چهارگاه بزنید، ما مشکل خودمان را حل می‌کنیم و دیگر مزاحم نمی‌شویم. سر شب بود که استاد سه تار را به دست گرفت. یک وقت دیدیم که آفتاب زده و باید مجلس را تعطیل کرد. استاد تمام این مدت چهارگاه زده و یک قطعه را دوبار تکرار نکرده بود. واقعاً میرزا عبدالله کتاب موسیقی بود که متأسفانه اکنون این استادان نیستند. حالا باید از موسیقی‌دانان امروز بخواهیم فقط یک چهارگاه به مدت یک ربع بزنند، بدون تکرار.»

چهره‌های موسیقی ایران، ص ۳۷۳.

### موسیقی معنوی

دکتر داریوش صفوت می‌نویسد: «آقای دوامی مطلب جالبی می‌گفت و آن این که از میرزا عبدالله نقل قول می‌کرد که موسیقی ایرانی یک موسیقی معنوی است و تا شخص به عالم معنا راه نیابد، نمی‌تواند چیزی بیاموزد. حتی دوامی می‌گفت میرزا عبدالله توصیه کرده بود هر که خواست نزد شما کار کند، ابتدا او را بفروستید تا وارد عالم معنا بشود و بعد موسیقی ایرانی را یاد بگیرد.»

چشم‌انداز موسیقی ایران، ص ۷۶.

مطالعه خاطرات امیر شاعر و رجال سیاسی، شیوه پژوهش‌های خاص خود را داشته و رشد فکری، جان و بلند خاطرات پژوهش‌های، سنجش و هنری (پروژه بعد از پروژۀ انقلاب) گویای عکاسی عظیمی است که به این گونه کتاب‌هاست.

کتاب حاضر مجموعه خاطرات و داستان‌های آفاق موسیقی است که در عین مطالعه گسترده و تحقیق گوناگون هم‌پایه‌ای شده است. نگارنده در گردآوری این خاطرات و داستان‌ها کفایت معهود به رعایت اصل استقامتی بوده و تنها برای انتقال بار سخنان و زینت خاطرات به براداران، برای هر داستان با خاطرات هوایی را انتخاب نموده است.

این مجموعه هویتش، خوانندگانش گرامی را با بخشی از تاریخ موسیقی ایران و روحیات هم‌عصران انقلابی و عقاید موسیقی‌دانان مشهور کشور از نوا تا آواز تا عصر حاضر آشنا می‌سازد. سعی نگارنده بر این بوده است تا حد امکان، خاطرات و داستان‌ها را حقیقت و سواد انتخاب کند و از آوران داستان‌های گوناگون آن‌ها را هر چند بر سر سرش‌هاش و این کتاب بوده خودداری نموده است.



ISBN 473 964 416 2900

قیمت ۳۰۰۰۰